

شروع تحرکات نظامی سازمان مجاهدین خلق از چه زمانی در عراق آغاز شد؟ اصولاً صدام از نیروهای منافقین چه بهره‌ای می‌برد؟

سال ۱۳۶۵ که ایران موفق شد فرانسه را وادار کند تا بعد از پنج سال پناه دادن به دارودسته مسعود رجوی، آنها یا فرانسه را ترک کنند یا عملیات تروریستی علیه ایران انجام ندهند، سازمان به صورت جدی بحث حضور در خاک عراق را در اولویت قرار داد. البته دعوت از مسعود رجوی برای فعالیت از خاک عراق علیه جمهوری اسلامی به سال ۱۳۶۱ - ۱۳۶۰ برمی‌گردد. بنی‌صدر هم در خاطرات خودش به این موضوع اشاره می‌کند که مخالف این مسأله بوده است. در سال ۱۳۶۵ صدام متوجه شد که منافقین در فرانسه در تنگنا هستند. طارقی عزیز از سوی او مسعود رجوی را به عراق دعوت می‌کند. در فاصله کوتاهی کادر رهبری سازمان به عراق می‌روند و یک واحد نظامی با تجهیزات ارتش آن کشور در اختیارشان قرار می‌گیرد و نامش را «ارتش آزادیبخش ملی ایران» می‌گذارند که یک واحد از ارتش عراق است. مسأله‌ای که صدام را تشویق کرد تا به سمت سازمان مجاهدین برای تشکیل یک واحد فارسی‌زبان در ارتش بعث برود، تحرکات سپاه از سال ۱۳۶۴ - ۱۳۶۳ بود، شامل برای سازماندهی معاونین عراقی در قالب گردان‌های صدر که بعدها تبدیل به تیپ ۹ بدر و لشکر ۹ بدر شدند و در منطقه هورالهبویه عمل می‌کردند.

سقوط جاویدان

سازمان منافقین در این توهم بود که می‌تواند با حمام خون تهران را فتح کند!

سازمان مجاهدین خلق که در نزد افکار مردم ایران به‌عنوان منافقین شناخته می‌شوند، در تابستان سال ۱۳۶۷ و پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ با پشتیبانی ارتش بعث عراق و در عملیاتی به نام فروغ جاویدان به مرزهای ایران حمله کرد. هدف منافقین پیشروی به سمت تهران و سرنگونی مراکز مهم حکومتی بود؛ اما نرسیده به کرمانشاه در تنگه چهارزبر متوقف شدند و در ادامه با اجرای عملیات مرصاد نیروهای نظامی ایران بسیاری از اعضای سازمان کشته و بسیاری از آنان نیز به خاک عراق بازگشتند. در گفت‌وگو با محمدعلی سمدی (پژوهشگر تاریخ دفاع مقدس) به بررسی علل و نتایج این خودکشی دسته‌جمعی منافقین به دستور مسعود رجوی پرداختیم.

خوبی به ارتش صدام پس داد و در نهایت برای عملیات بانک فروغ جاویدان آماده شدند.

کمی در مورد مهم‌ترین عملیات‌های سازمان و به‌خصوص در ماه‌های پایانی جنگ در کنار رژیم بعث عراق برآیمان بگویید.

سازمان مجاهدین بعد از تأسیس ارتش آزادیبخش ملی برای اثبات خودش به صدام، دو عملیات به نام‌های عملیات آفتاب و عملیات چلچراغ در منطقه‌های فکه و مهران انجام داد و تعدادی را اسیر کرده، منطقه را از یگان‌های پدافندی گرفت، مقداری سرود خواندند و تصویربرداری کردند که بیشتر برای مصرف داخلی خودشان و نمایش در پایگاه سیاسی‌شان در اروپا بود. البته به هدف‌شان هم رسیدند، چون همان زمان ما درگیری‌های شدید در جبهه غرب داشتیم و خیلی متمركز در جنوب نبودیم، بعدها این مناطق را از آنها پس گرفتیم. در این دو عملیات، سازمان آزمایش

را توجیه می‌کردند تا فراملی فکر کنند و عذاب وجدان کاهش می‌دادند. صدام هم به همکاری با سازمان تمایل داشت و توانایی‌های آنها را در منطقه کردستان با راه‌اندازی رادیو علیه ایران تست زده بود. حتی در شنودهای بی‌سیم‌ها و جمع‌آوری اطلاعات نظامی از جبهه‌ها از نیروهای سازمان منافقین استفاده کرده بود. منافقین ظرفیت و انگیزه داشتند و بدون نگرانی از اتهام خیانت و همکاری با دشمن بیگانه، این کارها را انجام می‌دادند. اصلاً مسأله ملی‌برایشان موضوعیت نداشت بلکه سرسپردگی به رهبری سازمان، برایشان اولویت بود. سازمان یک گروه سیاسی، نظامی بود و باید قبل از این‌که رکود سیاسی و نظامی آنها را به سوی اضمحلال ببرد، کاری انجام می‌داد. رجوی هم آدمی بود که خیلی معطل نمی‌کرد، پشت مرزهای ملی و اخلاقی متوقف بماند. در مطالع جامع‌طلبانه‌اش با اولین دعوت جدی از طرف صدام، زود پذیرفت که علیه ایران وارد عمل شود.

مهم‌ترین بحرانی که مسئولان سازمان در زمان آغاز عملیات فروغ جاویدان علیه ایران با آن روبه‌رو بودند، چه بود؟

مهم‌ترین بحران، سرعت تحولات سال‌های پایانی جنگ بود که با محاسبات منافقین انطباق نداشت. اسناد، به‌جای‌مانده،

نشان می‌دهد که تحلیل آنها از شرایط داخل ایران خیلی دور از واقعیت بود و هزینه‌گرافی هم بابت این مسأله پرداختند، چون متوجه نبودند در ایران چه می‌گذرد. سرعت تحولات به اینها اجازه نمی‌داد تا اطلاعات درستی از داخل جمع کنند و اساساً توانایی جمع‌کردن اطلاعات صحیح را نداشتند چون اینها با پیش‌فرض‌های بسیار متحجرانه وارد عرصه جمع‌آوری اطلاعات می‌شدند. به همین دلیل هم عملیات فروغ جاویدان را سه ماه زودتر انجام دادند. در محاسبات و هماهنگی‌هایی که با پشتیبان‌های خارجی خودشان داشتند، قرار بود آخر به‌پرویز یا اوایل مهر این عملیات انجام شود اما سرعت تحولات در میدان جنگ و از سوی دیگر، ترس عقب‌افتادن از پیاده‌کردن برنامه‌هایشان و تحلیل‌های عجیب و غریب باعث شد سه ماه زودتر اقدام کنند. خب این کار تبعات بدی داشت که مهم‌ترین آن، نیروهای آموزش‌ندیده و توجیه نشده بود. اسراری سازمان مجاهدین در عملیات مرصاد آدم‌هایی بودند که دو، سه روز قبل از کشورهای اروپایی و آمریکا به عراق آمده و لباس نظامی پوشیده و با یک اسلحه وارد یگان‌های نظامی سازمان شده بودند و اصلاً نمی‌دانستند قرار است چه کاری بکنند.

در جریان عملیات فروغ، آیا واقعا در خصوص چالش در راه رسیدن به تهران از سوی رهبران منافقین این تصور وجود نداشت که ممکن است با مقاومت روبه‌رو شوند؟

هیچ تصویری حداقل به نیروها اعلام نشده بود. به آنها گفته شده بود که مقاومت‌ها بسیار جزئی است و مردم به شما خواهند پیوست. تنها یک تعداد پاسدار و بسیجی ممکن است در بعضی پایگاه‌ها مقاومت کنند که به‌سادگی شکست می‌خورند و تا تهران راه باز است. ببینید ستون‌کشی نظامی به سمت تهران، پیش از سه

روز طول می‌کشید. وقتی شما برنامه فتح سه چهار روزه می‌ریزید یعنی پیش‌بینی کرده‌اید که هیچ مقاومتی در کار نیست. وقتی وسیله تقلیه نیروهای زرهی منافقین، خودروهای نفربر زرهی کاسکاول برزلی که لاستیکی است فقط روی جاده آسفالتنه و روی زمین صاف حرکت می‌کند، چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ یعنی اینها حساب کرده بودند که از کرمانشاه تا تهران، دشت است و روی جاده مستقیم به سمت تهران حرکت می‌کنیم تا وارد میدان آزادی تهران شویم. برآورد مسعود رجوی عدم مقاومت مردم در برابر نیروهای سازمان بود که خلاف این مسأله اتفاق افتاد و مردم در برابر منافقین ایستادند.

اگر سازمان بنا داشت تهران را فتح کند، قاعدتاً در داخل باید شبکه‌ای از نیروها را داشت و می‌توانستند در این پروسه نیروها را حمایت کنند. آیا شبکه نیروهای داخلی سازمان بعد‌ها شناسایی شد؟

سازمان در داخل کشور شبکه‌ای داشت و حتی در آشوب‌های سال‌های اخیر دستخط سازمان کاملاً مشخص است اما شبکه اصلی سازمان سال ۱۳۶۲ - ۱۳۶۳ از بین رفت. طرح مالک و مستأجر تیر خلاص را به شبکه داخلی سازمان زد. یکسری خانه‌های تیمی پراکنده با یکسری آدم‌های واقعا غیرقابل اعتماد که بیشترشان با انگیزه‌های مالی کنار سازمان بودند و بیشتر وظیفه گردآوری اطلاعات داشتند. در تخیلات‌شان این بود که در طول عملیات فروغ جاویدان به افراد درون زندان‌ها خیلی تکیه کرده بودند و برنامه داشتند که با محبوسان در زندان‌های کرمانشاه، تهران و شهرهای دیگر و فعال‌سازی خانواده‌های اینها و افراد سمیات بتوانند موفق بشوند.

آیا اساساً سازمان در جریان عملیات فروغ جاویدان به دنبال فتح تهران بود یا نه فقط می‌خواست به کرمانشاه برسد؟

قطعا براساس اسنادی که از آن سال‌ها باقی مانده و منتشر شد و توجیهات عملیاتی که خود مسعود رجوی با نیروها انجام می‌دهد و آن فیلم معروف که مسعود رجوی آخرین جلسه توجیهی را با نیروهایش دارد، همچنین هماهنگی‌هایی که بعداً معلوم شد با عناصر داخل زندان انجام شده از زندان کرمانشاه تا زندان اوین، نشان می‌دهد که هدف ثابت شده بود. سازمان هم این موضوع را پنهان نمی‌کند. هدف رسیدن به تهران بود و به‌صورت بسیار تخیلی و فانتزی می‌بود. یعنی این‌که سه چهار روزه می‌خواستند به تهران برسند، پیش‌بینی هم کرده بودند که چند

روزی تسویه حساب باشد و کشتار نیروهای انقلابی و بعد مسعود رجوی بیاید و عفو عمومی اعلام کند و دولت وحدت ملی همه اینها را پیش‌بینی کرده بودند. اما نیرو که به اندازه کافی نداشتند و با ۵۰۰۰-۶۰۰۰ نفر که نمی‌شود به تهران رسید. پیش‌بینی شده بود که اینها وارد کشور می‌شوند و هر شهری را که فتح می‌کنند، از افراد پیوسته به سازمان، یگان‌های جدید تشکیل می‌شود و فرمانده این یگان‌ها را هم مشخص کرده بودند که بعد از فتح کرمانشاه از نیروهای کرمانشاهی چه تعداد جذب کنند و فرمانده‌اش را مشخص کرده بودند. حتی کادر فرماندهی را هم مشخص کرده بودند. نیروهای زندانی فرمانده‌ها هستند، یک تعدادی که از عراق وارد ایران شدند و از بقیه می‌استگان سازمان هم جذب نیرو می‌کنند، یگان کامل می‌شود و از کرمانشاه به همدان و از آنجا به سمت تهران



حرکت می‌کنند. با همین تخیل کاریکاتور یک اردو کشی را اجرا کردند.

تحلیل منافقین قبل از انجام عملیات «فروغ جاویدان» چه بود؟

سازمان فکر می‌کرد قبول قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران، نشانه انزوای جمهوری اسلامی، باعث دلزدگی نیروهای انقلابی و بریدن نیروهای پای کار نظام است و دیگر کسی حاضر نیست خودش را برای نظام هزینه کند. تصورشان این بود که اصلاً نظام قطعنامه را پذیرفت، چون نیروی رزمنده ندارد و اطاعت از امام دیگر برای مردم اولویت نیست. مسئولان کشور از امام اطاعت نمی‌کنند، اینها خبرهایی بود که همان شبکه اطلاعاتی سازمان از داخل کشور به آنها می‌داد. منتها روش جمع‌آوری اطلاعات‌شان رسیدن به این نتایج بود که اینها را به محاسبه غلطی انداخت که همه آماده‌اند که ما وارد

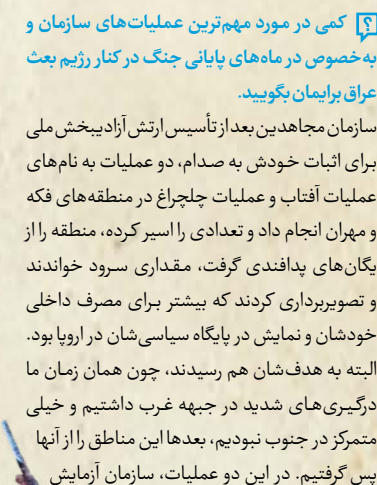
ایران بشویم. تحلیل‌شان این بود که ۵۰۰ هزار نفری که در انتخابات سال ۱۳۶۰ به مسعود رجوی رأی دادند به همراه خانواده‌هایشان، نزدیک دو سه میلیون نفر نیروی آماده‌به‌کار برای سازمان هستند. سمیات‌ها و نیروهای داخل زندان هم به سازمان ملحق می‌شوند و کار جمهوری اسلامی را تمام می‌کنند. همین تحلیل غلط را سال ۱۳۶۰ هم داشتند.

علت اصلی شکست منافقین در عملیات مرصاد چه بود؟

اطلاق شکست به عملیات فروغ جاویدان خیلی درست نیست، شاید چون معادل دیگری نداریم که به کار ببریم. اصلاً عملیاتی در کار نبوده که شکست بخورد و شکستی نبوده که علش را بررسی کنیم. این نوع حرکت سازمان اصلاً نظامی نبود. این‌که دیوانه‌وار حمله کنند و مردم را با لباس نظامی به خاک و خون بکشند و با مدافع کشور مقابله کنند که عملیات نظامی نمی‌شود. فانتزی ذهنی مسعود رجوی و کسانی که او ایزوله کرده بود، نقش بر آب شد. خب ما الان می‌گوییم اینها چون ضعیف عمل کردند، خشونت زیاد به خرج دادند، چون محاسبه غلط داشتند و... شکست خوردند اما واقعیت امر این است که اینها اصلاً نمی‌دانستند چه کار می‌کنند. من این مسأله را باور ندارم که غربی‌ها اینها را تهییج کردند، چون برداشت آنها از داخل کشور خیلی دقیق‌تر از سازمان مجاهدین بود اما وقتی می‌بینند مسعود رجوی با چه اطمینانی صحبت می‌کند که همه چیز برای از میان برداشتن جمهوری اسلامی مهیاست، می‌گفتند خب اگر همه چیز مهیاست،

ما پول می‌دهیم بروید داخل ببینیم چه کار می‌کنید. عملیات فروغ جاویدان به گونه‌ای بازی با فانتزی‌ها و رویاهایشان بود و به همین دلیل هم موفق نبودند و دست به یک خودکشی دسته‌جمعی زدند. مثل این‌که مثلاً مسعود رجوی مازاد نیرو داشته و می‌خواسته آنها را تصفیه کند.

آن چیزی که از منابع خارجی به دست رسیده، نشان می‌دهد که خارجی‌ها این‌طور فکر نمی‌کردند، آنها برنامه‌های خودشان را داشتند. تصورشان این بود که اگر سازمان مجاهدین به تهران برسد و بتواند حمام خونی راه بیندازند، آن وقت نیروهای خارجی هستند که به عنوان نیروهای حافظ صلح و نیروهای سازمان ملل و نیروهای بازدارنده وارد کشور می‌شوند و تکلیف انقلاب اسلامی را روشن می‌کنند.



برای حل جدول اعداد باید در هر مربع کوچک‌تر ۳ در ۳ هیچ عدد تکراری وجود نداشته باشد. همچنین هیچ عددی در یک سطر یا ستون مربع بزرگ ۹ در ۹ تکرار نشده باشد.

سودوکو ۴۶۵۹

۹	۸				۱			
			۱					
۵			۴		۳			
				۷				
	۲	۵						
			۲		۶			
				۴		۷	۹	
		۶				۸		
				۷				
۳						۹	۶	

۴					۶			۷
					۸			۱
				۴				۳
				۹				
			۲					
				۵				
				۷				
			۸	۳				
								۶

۶					۲	۱		۸			
				۸							
			۷		۴		۳				
				۵		۹	۴				
			۳			۱					
		۸	۵		۷						
۹			۶			۵					
			۴								
۵			۲								

									۲		

۱	۵	۴	۲	۶	۹	۳	۷	۸
۷	۳	۲	۱	۵	۸	۳	۶	۹
۹	۸	۶	۳	۷	۴	۵	۱	۲
۳	۲	۵	۹	۱	۶	۸	۴	۷
۶	۹	۸	۷	۳	۵	۱	۲	۳
۴	۷	۱	۸	۲	۳	۹	۵	۶
۸	۳	۷	۶	۳	۱	۲	۹	۵
۵	۶	۳	۴	۹	۲	۷	۸	۱
۲	۱	۹	۵	۸	۷	۶	۳	۴

حل سودوکو ۴۶۵۸

۳	۶	۵	۲	۹	۷	۴	۱	۸	۶	۳	۷	۵	۱
۴	۷	۹	۸	۱	۶	۵	۳	۷	۱	۹	۶	۴	۲
۲	۱	۸	۴	۵	۳	۹	۶	۷	۸	۴	۵	۲	۳
۸	۲	۷	۵	۱	۳	۴	۹						
۶	۳	۴	۹	۷	۲	۸	۵	۱					
۵	۹	۱	۳	۴	۸	۶	۷	۲					
۱	۸	۶	۷	۳	۴	۲	۹	۵					
۹	۳	۳	۱	۲	۵	۷	۸	۴					
۷	۵	۲	۶	۸	۱	۳	۴						

۹	۵	۱	۲	۷	۸	۴	۶	۳
۷	۲	۳	۳	۶	۹	۵	۱	۸
۵	۸	۶	۱	۵	۴	۲	۹	۷
۳	۱	۸	۶	۳	۷	۹	۳	۲
۲	۳	۹	۸	۱	۵	۶	۷	۴
۴	۷	۶	۹	۲	۳	۱	۸	۵
۸	۶	۳	۵	۹	۲	۷	۴	۱
۵	۹	۷	۵	۲	۴	۶	۱	۳
۹	۲	۳	۷	۶	۸	۵	۴	۱
۱	۸	۴	۹	۳	۵	۲	۷	۶
۵	۷	۶	۱	۴	۲	۹	۳	۸

۳	۶	۵	۲	۹	۷	۴	۱	۸	۶	۳	۷	۵	۱
۴	۷	۹	۸	۱	۶	۵	۳	۷	۱	۹	۶	۴	۲
۲	۱	۸	۴	۵	۳	۹	۶	۷	۸	۴	۵	۲	۳
۸	۲	۷	۵	۱	۳	۴	۹						
۶	۳	۴	۹	۷	۲	۸	۵	۱					
۵	۹	۱	۳	۴	۸	۶	۷	۲					
۱	۸	۶	۷	۳	۴	۲	۹	۵					
۹	۳	۳	۱	۲	۵	۷	۸	۴					
۷	۵	۲	۶	۸	۱	۳	۴						

شماره تلفن‌های پذیرش

۴۹۱۰۵۰۰۰



امور آگهی‌های روزنامه جام جم